

نقش دریای خزر و منطقه قفقاز در مناسبات تجاری عصر صفوی

الیه ابراهیمی^۱
حمیدرضا ثنائی^۲

چکیده

مناطق اطراف دریای خزر کم‌وبیش در طول تاریخ مورد استفاده بازرگانانی بود که به دنبال تجارت با ساکنان این منطقه و یا نواحی مجاور بودند. در دوره صفوی نیز تجارت در این مناطق و به‌خصوص در ناحیه قفقاز همچنان ادامه داشت و بازرگانان با تشکیل کمپانی‌های تجاری و حمایت از سوی صاحبان قدرت در شهرهای تجاری این منطقه به دادوستد می‌پرداختند. مراکزی مانند دربند، شمشاخ و بردعه مرکز مبادلات اکثر بازرگانان داخلی و خارجی بود و این ناحیه به‌عنوان شاهراهی برای ارتباط مراکز تجاری جنوب دریای خزر به شمال به شمار می‌رفت. با این‌همه، برخی موانع سیاسی و طبیعی، روند بازرگانی منطقه قفقاز و اطراف دریای خزر را کند و گاه متوقف می‌ساخت. همجواری ایران با قدرت‌هایی چون روس و عثمانی و تلاش این قدرت‌ها برای دستیابی به دریای خزر و مناطق جنوبی و غربی آن که نقش مهمی در مناسبات تجاری عصر صفوی داشت، درگیری‌های متعددی را میان ایران و آن کشورها به همراه می‌آورد که این امر رونق تجاری این منطقه و رفت‌وآمد کاروان‌های بازرگانی را با محدودیت‌هایی مواجه می‌ساخت. علاوه بر این، مشکلات جغرافیایی نیز در کند شدن روند تجارت این ناحیه دخیل بود. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نقش و جایگاه دریای خزر و منطقه قفقاز در تجارت عصر صفوی، مبادلات بازرگانی در اطراف این دریا و ناحیه قفقاز و موانع و مشکلات موجود در مسیر بازرگانی این دوره بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی:

عصر صفوی، دریای خزر، منطقه قفقاز، مناسبات تجاری.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد ebrahimi6619@gmail.com

^۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد hr.sanaei@um.ac.ir

مقدمه

منطقه قفقاز در فاصله میان دریای خزر و دریای سیاه واقع شده است که از شمال به روسیه، از جنوب به فلات‌های ایران و آناتولی، از شرق به دریای خزر و از سمت غرب به دریای سیاه محدود است. این منطقه توسط سلسله جبال قفقاز به دو بخش قفقاز شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود؛ قفقاز شمالی که جزئی از قلمرو روسیه به شمار می‌رود، دربردارنده جمهوری‌های خودمختار از جمله داغستان و کاباردا است و قفقاز جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌شود.

منطقه قفقاز از گذشته‌های دور به دلیل اینکه به‌عنوان یک گذرگاه ارتباطی، راه‌های بازرگانی هند و چین را به اروپا مرتبط می‌ساخت، حائز اهمیت بوده است. تجار از مناطق مختلف جهان به این ناحیه آمده و به تجارت برده و کالاهای دیگر مشغول می‌شدند. در این زمان در برده، روزهای یکشنبه بازاری به نام کرکی برپا بود که تجار از مناطق مختلف در آنجا گرد آمده و به دادوستد کالاهای مختلف چون ابریشم، انواع پارچه، میوه و ماهی می‌پرداختند (مقدسی، [بی‌تا]: ۵۶۵/۲). در دوره‌های پیش از قرن ۸ قمری/۱۴ میلادی نیز ساکنان داغستان و گرجستان از طریق گردنه اصلی جبال قفقاز و راه تجاری سواحل غربی دریای خزر دادوستد داشتند (لی‌اف و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۰۱). با ورود مغولان به این منطقه، به‌تدریج مراکز تجاری رونق گرفت و با روی آوردن تجار از ملل و اقوام مختلف به استفاده از این مسیر و دریای خزر به منظور برقراری مناسبات بازرگانی با ایران و شرق، این منطقه توسعه پیدا کرد. در این دوره و سال‌های پس از آن، مناسبات تجاری پررونقی میان آذربایجان، گرجستان و داغستان برقرار بود. با روی کار آمدن صفویان، انگلیسی‌ها و روس‌ها از طریق دریای خزر و قفقاز وارد تجارت با ایران شدند، چنانکه دادوستد از این مسیر و رودهای منتهی به دریا، همچون ولگا^۱ و دن^۲ به اوج خود رسید. در عصر صفوی تسامح مذهبی که از جانب برخی حکمرانان اعمال می‌شد، سبب ورود اقلیت‌های دینی در تجارت شد و این امر نقش مهمی در شکوفایی هر چه بیشتر تجارت داخلی و خارجی صفویان داشت. در نتیجه، در مناطق مختلف اطراف دریای خزر و قفقاز، مراکز تجاری بزرگی شکل گرفت و بازرگانان مختلف خارجی و داخلی چون تجار هندی، ارمنی و مسلمان به رونق هر چه بیشتر بازرگانی این نواحی افزودند.

^۱. Volga

^۲. Don

اهمیت تجاری دریای خزر و گسترش بازرگانی از طریق آن، رقابت قدرت‌هایی چون عثمانی و روس را به‌منظور سیطره بر مناطق استراتژیک شمال و شمال غرب ایران به دنبال داشت. در نتیجه، این کشورها طی این دوره، حملات متعددی به نقاط ساحلی دریای خزر از جمله قفقاز داشتند. دولت عثمانی در صدد دستیابی به قفقاز بود تا از طریق سواحل دریای خزر به داغستان و سپس قفقاز شمالی و خانات کریمه دست یابد. روس‌ها نیز به نقاط ابریشم‌خیز و پر رونق ساحلی ایران چشم طمع داشتند (هرن، پاول، ۱۳۱۴: ۸۷).

پژوهش‌های جغرافیایی در مورد دریای خزر و قفقاز، بیشتر جغرافیا و ترکیب قومی آن را مدنظر قرار داده و به چگونگی روند تجارت این ناحیه در دوره مورد بحث پرداخته‌اند. در برخی از تحقیقات صورت گرفته در موضوعات تاریخی و اقتصادی نیز به جوانبی از مسائل تجاری نواحی اطراف دریای خزر پرداخته شده و تاکنون پژوهش‌های جامعی در باره ناحیه قفقاز و روند تجارت در آن انجام نگرفته است. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند که از جایگاه تجاری قفقاز و نقش آن در مناسبات بازرگانی دوره صفوی، موانع بازرگانی، مراکز و نیز کالاهای تجاری این منطقه در این دوره سخن گویند.

مراکز بازرگانی

دو ایالت شروان و آران در قفقاز جنوبی، بیشترین نقش را در مناسبات تجاری این ناحیه با مناطق شمالی و جنوبی داشتند. شهرها و مراکز این ایالات و نیز تولیدات آن‌ها جایگاهی ویژه در جذب بازرگانان داشتند. در این میان می‌توان به شهرهای تجاری مهم چون شماخی، دربند و بردعه اشاره کرد.

شماخی مرکز ایالت شروان یکی از شهرهای تجاری این منطقه بود. جریان تجارت در شماخی با گسترش مناسبات تجاری آذربایجان و روس در نیمه دوم قرن ۹ قمری/ ۱۵ میلادی و با ورود تاجران اروپایی به این شهر از راه روسیه- هشترخان- دربند- باکو رونق یافت (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۸۴). کاروان‌های تجاری خوارزم و آسیای مرکزی نیز با ورود به این شهر به دادوستد با بازرگانان ونیزی و جنوایی می‌پرداختند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۸). شهر شماخی یکی از مراکز مهم بافت پارچه‌های نخی و ابریشمی بود و ابریشم آن به سلطانیه صادر شده و از آنجا به سایر نواحی ارسال می‌شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ کنتارینی، ۱۳۴۹: ۶۲). این شهر در عصر صفوی دارای دو محل مهم جهت خرید و فروش تجار خارجی بود. نخست کاروانسرای شاه بود که

روس‌ها در آن به دادوستد مال‌التجاره‌های خود مانند پوست، مس، چرم و فلزات مشغول بودند و دیگری کاروانسرای لزگی که محل رفت‌وآمد چرکس‌ها بود و آنان در این محل به تجارت اسب و برده و کالاهای دیگر می‌پرداختند (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۸۷؛ ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۹۳).

در بند یکی از شهرهای ایالت شروان و از جمله مراکز تجاری مهم از گذشته تا دوره مورد بحث بود. این شهر از جمله انبار محصولات ابریشمی گیلان و توقفگاه کاروان‌های تجاری محسوب می‌شد که از گرگان، طبرستان، گیلان و دیگر مناطق می‌آمد (مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۴۱؛ باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۲۱). در بند همچنین یکی از مراکز تجاری مهم در برقراری ارتباط بازرگانی ساکنان داغستان با گرجی‌ها بود. ساکنان داغستان ابزارآلات کشاورزی وارد می‌کردند و صنایع دستی چون چکمه، گلیم، تفنگ به گرجستان صادر می‌کردند. کشتی‌هایی که عازم هشرخان بودند، در فصل زمستان در کرانه در بند لنگر می‌انداختند (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۵۶؛ علی‌اف و یعقوبی، ۱۳۷۸: ۳۰۱)؛ اما این شهر از سال ۸۸۰ ق.م. ۱۴۷۵ م. موقعیت تجاری گذشته را از دست داد که این امر را تا حدودی می‌توان به دلیل رونق بندر باکو که در این عصر به صورت لنگرگاه اصلی دریای خزر درآمده بود، دانست (بارتولد، ۱۳۷۵: ۹۶). با این حال، به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجاری غرب دریای خزر همچنان در امر مبادلات داخلی و خارجی ایران نقش داشت و تولیدکننده محصولاتی چون بافته‌های ابریشمی، رونس، زعفران، برده، پوست، ماهی بود که به بلاد مختلف صادر می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۴، ۱۹۴؛ مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۴۶، ۲۴۱).

برده، کرسی اران به دلیل قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری قفقاز و راه کهن آذربایجان که از اردبیل به ورتان و از آنجا به برده ختم می‌شد، به یکی از مراکز تجاری مهم شمال غربی دریای خزر بدل شده بود (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۳۴).

مراکز مذکور بر سر راه‌های تجاری که نواحی جنوبی دریای خزر را به مناطق غربی و شمالی متصل می‌ساخت، قرار داشتند و بازرگانان داخلی و خارجی از این طریق کالاهای خود را به اروپا و شرق ارسال می‌کردند.

چگونگی فعالیت اقوام و ملل در دادوستد محصولات تجاری قفقاز عصر صفوی

بازرگانان اروپایی در فعالیت‌های تجاری این دوره حضور داشتند و با استفاده از مسیرهای دریایی و خشکی ایران، مال‌التجاره‌های خود را یا در داخل ایران به فروش می‌رساندند و یا به

مناطق مختلف ارسال می‌کردند. با روی کار آمدن صفویان، تجارت با روس‌ها و انگلیسی‌ها از طریق مناطق اطراف دریای خزر و رودهای منتهی به آن چون ولگا و دن به اوج خود رسید.^۱

روس‌ها: همزمان با حضور روس‌ها در مناطق پیرامون دریای خزر، دولت صفوی در حال شکل‌گیری بود. با روی کار آمدن حکومت صفوی، مناسبات میان ایران و روس توسعه یافت و در سال‌های ۹۶۰-۹۵۹ق. / ۱۵۵۳-۱۵۵۲م. تبادل هیئت‌های رسمی میان دو طرف صورت گرفت (کولاگینا، ۱۳۸۸: ۴-۳). پترکبیر پس از دستیابی به قدرت، به‌منظور گسترش تجارت با شرق در صدد کسب اطلاعات بیشتر در باره صنعت کشتی‌سازی و گسترش نیروی دریایی روس برآمد. او بر آن بود تا تجارت ابریشم و سایر کالاهای میان ایران و اروپا را که در این زمان از طریق راه حلب و از میر انجام می‌شد، متوقف کرده و مسیر روسیه را جایگزین آن سازد (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۵۱-۵۰).

طرح رسیدن به آب‌های آزاد، همواره در ذهن دولتمردان روسی وجود داشت و تا دوره پترکبیر ادامه یافت. در این دوره، روس‌ها با غلبه بر خان‌های غازان (۹۵۹ق. / ۱۵۵۲م.) و هشترخان (۹۶۳ق. / ۱۵۵۶م.) و تسلط بر رود ولگا و شهرهای کهن تجاری آن ناحیه توانستند تا حدودی به این هدف دیرینه خود دست یابند. روس‌ها با تصرف هشترخان، صاحب بندر تجاری مهمی در دریای خزر شدند و راه مبادلات تجاری آنان با شمال ایران برقرار گردید، اما از آنجا که در این زمان، نواحی غربی دریای خزر در تصرف عثمانی بود و آنان نیز تمایلی به برقراری روابط با دولت‌های اروپایی نداشتند، فعالیت‌های تجاری روس‌ها به منطقه قفقاز محدود شد. با وجود این، دسترسی آنان به دریای خزر، امکان نظارت بر روابط سیاسی-اقتصادی دول اروپایی با مناطق اطراف دریای خزر، قفقاز و هندوستان را برای‌شان فراهم ساخت. پس از تصرف هشترخان توسط روسیه، بازرگانان روسی به هشترخان مهاجرت کردند و از طریق تجار ایرانی زیادی که در آن شهر حضور داشتند، روابط

^۱ پس از شدت گرفتن منازعات میان اروپاییان و عثمانی و خطرات ناشی از عبور از قلمرو عثمانی، مسیر عبور از قلمرو روسیه و راه ولگا به دریای خزر برای تجارت با ایران مورد استفاده قرار گرفت و این امر پس از تصرف هشترخان توسط روس‌ها و احاطه بر رود ولگا میسر شده بود. (شوستر والسستر، ۱۳۶۴: ۷۵) همچنین تجارت حکام محلی با یکدیگر و از طریق دریای خزر صورت می‌گرفت و این ایالات مجاور دریای خزر با دولت‌هایی چون عثمانی نیز روابط تجاری برقرار می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۱۸۳).

تجاری محدودی بین ایران و روس برقرار گردید (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۴۷). بازرگانان روسی مال التجاره‌های خود را پس از عبور از شهرهای دربند، شماخی و هشترخان به بنادر جنوبی دریای خزر منتقل کرده و کالاهایی چون پوست سمور (اسکندریک ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۸۸؛ وامبری، ۱۳۷۰: ۶۳-۶۲)، سنجاب، عاج، خویار، کتان، گندم، شکر، کاغذ، سلاح گرم و مس را به ایرانیان می‌فروختند (شوستر والستر، ۱۳۶۴: ۱۰۳).

کالاهای مختلفی میان ایران و روس دادوستد می‌شد که کالاهای صادراتی ایران از جمله محصولات تولیدی ناحیه قفقاز بود و از مهم‌ترین آن‌ها ابریشم را می‌توان نام برد. در زمان حکومت شاه صفی، از شروان ۳۰۰۰ و قراباغ ۲۰۰۰ عدل ابریشم صادر می‌شد. بافت انواع پارچه‌های ابریشمی نیز در عصر صفوی رونق داشت؛ شروان یکی از مهم‌ترین نواحی بافندگی این دوره و شماخی از جمله مراکز تجارت ایران با روسیه بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۱/۲ ۹۰۴ و ۹۰۲).

برنج از دیگر کالاهای تجاری بود که بیشتر از ولایات جنوبی و غربی دریای خزر به دست می‌آمد و از جریان رودهای این مناطق برای آبیاری شالیزارهای نواحی شروان و ایروان استفاده می‌شد (کارری، ۱۳۴۸: ۷، اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۴۲). روس‌ها از مهم‌ترین خریداران برنج ایران بودند و آن را از نواحی اطراف دریای خزر به هشترخان و سپس به دیگر مناطق قلمرو خود ارسال می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۸۹۹؛ لاکهارت، ۱۳۸۳: ۴۹).

پوست نیز از کالاهای وارداتی پرتقاضایی بود که به طور فراوان از آسیای مرکزی و روسیه وارد می‌شد و بسیاری از منابع در دوره مورد بحث نیز به واردات آن به ایران اشاره کرده‌اند (تکتاندر، ۱۳۵۱: ۴۷؛ شیمل، ۱۳۸۶: ۲۰۶). تجار روسی که به منظور صدور پوست به ایران می‌آمدند، در شهر شماخی به فروش پوست سمور در کاروانسرای شاه مشغول می‌شدند^۱ (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۱۲۱). بازرگانان روسی به دادوستد چهارپایان نیز مشغول بودند و در کنار بازار شهر شماخی دو محل خریدوفروش با دالان و حجره‌های مجزا وجود داشت (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۹۰۳؛ اولتاریوس، ۱۳۸۳: ۸۸). علاوه بر چهارپایان، پوست آن‌ها نیز به‌ویژه پوست گوسفند به روسیه صادر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/۹۰۴).

۱. پوست خز و سمور در ایران مورد استقبال ثروتمندان و امیران بود و از آن برای تزئینات یقه و سراسین لباس‌ها استفاده می‌کردند و چنان ارزشمند بود که فرستادگان روسی گاه آن را به رسم احترام به‌عنوان هدیه پیشکش می‌کردند (نک: کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۴۶؛ اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۸۸؛ مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۸۶؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱/۲: ۶۴).

انگلیسی‌ها: بازرگانان انگلیسی نیز از طرف‌های تجاری ایرانیان در این دوره بودند. انگلیسی‌ها همواره در صدد استفاده از راه‌های آبی شمال اروپا، بالتیک، رودهای داخلی روسیه و دریای خزر بودند و در این راستا به دلیل موقعیت استراتژیک ایران، با ارسال سفارشی به دربار صفوی توانستند تا حدودی به اهداف تجاری خود جامه عمل بپوشانند. حضور تجاری انگلیسی‌ها در دریای خزر و مبادلات بازرگانی با ایران و دیگر مناطق اطراف، پس از تأسیس کمپانی مسکوی^۱ و آغاز مناسبات تجاری با ایران برای مدتی چشمگیر بود (سیوری، ۱۳۹۰: ۱۹۳). در میانه سال‌های ۹۷۸-۹۶۸ ق. ۱۵۷۰-۱۵۶۰ م. کمپانی مسکوی که تجارت با شرق دور را دربردارنده خسارات بسیاری می‌دید، آن را برای مدتی کنار گذاشته و بر توسعه تجارت با ایران متمرکز شد. هدف از این اقدام را باید به‌دست آوردن تجارت مناطق ابریشم‌خیز ایران همچون شروان، گیلان و مازندران و نیز دستیابی به راهی برای تجارت با هند دانست (کرزن، ۱۳۴۷: ۱۲؛ سایکس: [بی‌تا]: ۲۴۰/۲؛ شوستر والسستر، ۱۳۶۴: ۸۹). آنان در نخستین اقدام خود در برقراری مناسبات با صفویان که در سال ۹۶۹ ق. ۱۵۶۱ م. انجام شد، موفقیتی کسب نکردند (نوایی، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۴؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۱۲-۱۱۰)؛ اما توانستند حمایت عبدالله‌خان اوستاجلو، بیگلربیگی شروان را به دست آورده و در نتیجه توافق میان آنان، قرار بر آن شد تا کالاهای ایرانی مورد نیاز انگلیسی‌ها که بیشتر آن را ابریشم خام و پارچه‌های ابریشمی تشکیل می‌داد، از طریق راه‌های روسیه به انگلستان حمل گردد. این‌گونه بود که روابط کمپانی انگلیسی مسکوی با شروان از طریق مسیر ولگا- خزر برقرار شد (گرانوسکی، ۱۳۵۹: ۲۵۴/۱؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱۷۴۴/۵) و پس از مدتی در سال ۹۷۰ ق. ۱۵۶۳ م. انگلیسی‌ها بار دیگر فرستادگانی را راهی ایران کردند و آنان این بار توانستند کالاهای خود را به فروش برسانند. این موفقیت سبب شد تا نمایندگان شرکت مسکوی هر ساله چنین سفر دریایی را تکرار کنند (شوستر والسستر، ۱۳۶۴: ۱۰۱).

انگلیسی‌ها در تجارت با ایران از گیلان به هشترخان و سپس مسیر رودخانه ولگا جلو رفته، سپس از راه خشکی عازم اوکراین می‌شدند. مسیر دیگر از طریق دور زدن شمال اسکاندیناوی و رسیدن به بنادر دریای سفید بود و از آنجا از طریق خاک روسیه به‌سوی شمال ایران ادامه می‌یافت. در شرایطی که روابط ایران و عثمانی به تیرگی می‌گرایید، مسیر

^۱. Muscovy company

گیلان- هشترخان- جنوب روسیه بیش از پیش اهمیت می‌یافت. تجار کمپانی مسکوی کالاهایی را که از مناطق مختلف ایران خریداری کرده، از طریق دریای خزر به هشترخان انتقال می‌دادند و سپس از مسیرهای خشکی و آبی به لندن ارسال می‌کردند (سیوری، ۱۳۹۰: ۱۹۴-۱۹۳). آنان به واسطه تجارت با نواحی شمالی ایران و خرید ابریشم، سود سرشاری به دست می‌آوردند و امتیازات بازرگانی نیز که از سوی دولت صفوی دریافت می‌کردند،^۱ در گسترش دادوستد آنان کمک شایانی می‌کرد (نویسی، ۱۳۶۴: ۱۸۱-۱۸۰).

ارامنه: آنها از جمله مهم‌ترین اقلیت‌های دینی این دوره بودند که در نواحی اطراف دریای خزر دادوستد می‌کردند. ارامنه پیش از این، در مناطق اطراف دریای سیاه و مدیترانه فعالیت‌های تجاری داشتند، اما به نظر می‌رسد تنها در عهد صفوی بود که فعالیت‌هایشان در سایه حمایت شاهان این سلسله به‌ویژه شاه‌عباس اول گسترش یافت (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۱۵۱/۳). مبالغ بسیاری تحت‌عنوان وام بدون بهره به آنان اعطاء می‌شد و از آزادی دینی نیز برخوردار شدند. البته باید توجه داشت که اعطای این امتیازات به خاطر عایدات بسیار خزانة شاهی از فعالیت‌های تجاری آنان بود. ارامنه قومی تجارت‌پیشه بودند و به دلیل هم‌کیشی با اروپاییان در برقراری مناسبات تجاری موفق‌تر عمل می‌کردند. عامل دیگری که بازرگانان ارمنی را بر ایرانیان برتری می‌داد، این بود که آنان به اکثر کشورهای اروپایی سفر کرده بودند و از ترفندها و مخاطرات تجاری مناطق، راه‌ها، شهرها و اوضاع تجاری آگاهی داشتند (ملکم، ۱۳۸۰: ۳۷۶/۱-۳۷۵).

ارامنه کالاهای صادراتی ایران مانند ابریشم را به قلمرو عثمانی وارد می‌کردند و به تجار عثمانی و اروپایی می‌فروختند (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۳/۲). آنان همچنین از روسیه به‌عنوان مسیر حمل کالا به اروپا استفاده می‌کردند و روابط تجاری‌شان در هشترخان؛ نقطه تلاقی مسیرهای تجاری شمال و جنوب دریای خزر چشمگیر بود. ارامنه در راستای گسترش تجارت خود در روسیه، طی فاصله سال‌های ۱۰۸۴-۱۰۷۸ ق. / ۱۶۷۳-۱۶۶۷ م. توانستند از دولت مسکو امتیازات تجاری دریافت کنند (Matthee, pp 4- 192). فعالیت بازرگانی ارامنه در مناطق ساحلی

^۱ چنانکه در سال ۹۷۴ ق. ۱۵۶۶ م. هیئتی انگلیسی به ریاست آرتور ادوارد وارد ایران شد و توانست از سوی شاه طهماسب امتیازاتی کسب کند که طی آن به انگلیسی‌ها اجازه داده شد تا با آزادی در سراسر ایران رفت‌وآمد کنند، از هرگونه مالیات معاف باشند و در مقابل هرگونه راهزنی مورد حمایت ایران قرار گیرند. بازرگانان انگلیسی می‌توانستند در ایران خانه بسازند و در صورت فوت تاجران انگلیسی در ایران، حکام ایرانی می‌بایست اموال آنان را به بازرگانان دیگری که آن را مطالبه کنند، تحویل دهند.

دریای خزر چنان رونق داشت که پس از تسلط روس‌ها بر هشترخان، بیگلربیگی‌های شماخی و شروان با ارسال سفرایی به مسکو، خواستار احیای امتیازات تجاری قدیم بازرگانان ارمنی برای تجارت با آنان از طریق هشترخان شدند (سیوری، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۹؛ متی، ۱۳۸۴: ۸۶).

هندی‌ها: بازرگانان هندی به‌عنوان شرکای تجاری ایران با دول اروپایی، به‌خصوص روسیه نقش مهمی داشتند. آنان در تجارت داخلی ایران و در انتقال کالا میان شهرهای ساحلی دریای خزر و انتقال کالاهای این مناطق به شهرهای مرکزی ایران نیز فعالیت‌های فراوانی انجام می‌دادند. هندی‌ها در مراکز تجاری شمال همچون شماخی و دربند و مراکز تجاری مرکزی به‌ویژه اصفهان ساکن بودند و به پیلهوری و خرازی در بازار اشتغال داشتند (متی، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ گرانتوسکی، ۱۳۵۹: ۲۷۵). آنان در تأمین اعتبار و معاوضه پول رایج در ایران نیز فعال بودند و خواجه‌های گرجی دربار صفوی بهره خوبی از پول‌هایی که نزد بانیان می‌گذاشتند، به دست می‌آوردند (یلفانی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

ونیزی‌ها: تجار ونیزی نیز از دیگر بازرگانانی بودند که با شروع حکومت صفویان، به برقراری مناسبات با ایران تمایل نشان دادند و به همین منظور هیئت‌هایی را به دربار صفوی فرستادند. مسدود شدن راه‌های تجاری شام که به دنبال جنگ‌های مکرر ونیز و عثمانی رخ داده بود، ونیزی‌ها را بر آن داشت تا در صدد یافتن راه تجاری دیگری برآیند که بدون نیاز به عبور از قلمرو عثمانی بتوانند به تجارت با مشرق زمین بپردازند. آنان به همین منظور تلاش کردند از طریق رود ولگا به روسیه و از آنجا از طریق دریای خزر با نقاط ساحلی این دریا وارد تجارت شوند. با وجود این، پس از مدتی با فروکش کردن منازعات میان ونیز و عثمانی و برقراری صلح میان آنان در قرن ۱۲ قمری / ۱۸ میلادی مسیر کاروان‌رو زمینی بار دیگر رونق یافت (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲: ۸).

موانع و مشکلات موجود در روند تجارت

با وجود رونق تجارت در منطقه قفقاز، عواملی روند دادوستد را کند کرده و گاه سبب توقف آن می‌شد. عواملی که گاه ریشه در طبیعت داشت و گاه در نتیجه اقدامات توسعه‌طلبانه قدرت‌های وقت به وجود می‌آمد. اگر چه استفاده از مسیرهای آبی نسبت به

راه‌های زمینی، وقت و هزینه کمتری مصروف می‌کرد، اما با مشکلاتی نیز همراه بود. عبور از دریا به کشتی‌های مستحکمی نیاز داشت و استفاده از چنین امکاناتی در این دوره برای بیشتر تجار امکان‌پذیر نبود. تجار مجبور بودند از کناره‌های دریا و مناطق نزدیک ساحل حرکت کنند تا در صورت نامساعد شدن هوا به ساحل و اسکله‌های کنار دریا پناه ببرند. در این میان، نبودن اسکله‌های کافی در کنار دریا، مشکل دیگری بود. افزون بر آن، در زمستان دریا و رودهای منتهی به آن یخ می‌بست که سبب گرفتار شدن کشتی‌ها در یخ می‌شد. به همین دلیل بسیاری از تاجرانی که در زمستان عازم سفرهای طولانی می‌شدند، تا هنگام باز شدن راه‌ها، در نقاط نزدیک توقف می‌کردند (گاسپار، ۱۳۶۷: ۳۳۹-۳۳۸؛ شوستر والستر، ۱۳۶۴: ۷۷).

الف- مسیرهای صعب‌العبور اطراف دریای خزر: فقدان راه‌های مناسب، روند تجارت در مناطق اطراف دریای خزر را کند می‌کرد. این امر کاروان‌ها را مجبور می‌ساخت که از مسیرهای پر گل‌ولای نزدیک دریا عبور کنند. در این صورت گاه با بالا آمدن آب دریا و پوشیده شدن این مسیرها در آب، خطر غرق شدن وجود داشت. آنان همچنین گاه مجبور بودند از میان کوه‌های بلند، سنگی و باریک بگذرند (تکتاندر، ۱۳۵۱: ۷۰؛ اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۳۵۰). اگر چه در دوره ایلخانی اقداماتی برای گشودن مسیرهای کاروان‌رو صورت گرفت، اما این مشکل به‌طور کامل برطرف نشد؛ زیرا کوهستانی بودن بیشتر مناطق شمالی ایران مانعی برای انجام این امر بود.

ب- درگیری‌های سیاسی و رقابت بر سر دستیابی بر منطقه قفقاز: اهمیت تجاری دریای خزر و گسترش تجارت از طریق آن، رقابت قدرت‌هایی چون عثمانی و روس را برای سیطره بر مناطق استراتژیک جنوب و غرب این دریا به دنبال داشت. در نتیجه، این کشورها، طی این دوره حملات متعددی به نقاط ساحلی دریای خزر داشتند و از آنجا که بیشتر این درگیری‌ها در خاک ایران و در نقاط مهم تجاری صورت می‌گرفت، خسارات بسیاری بر روند تجارت و اقتصاد ایران برجای گذاشت. دولت عثمانی در صدد دستیابی به قفقاز جنوبی بود، ضمن اینکه آنان قصد داشتند از طریق سواحل دریای خزر به داغستان و سپس به قفقاز شمالی و خانات کریمه دست یابند. روس‌ها نیز به نقاط ابریشم‌خیز و پر رونق ساحلی ایران چشم طمع داشتند.

عوامل مذکور سبب شد که روس‌ها در سال ۱۳۴۱ ق. / ۱۷۲۲ م. دو گردان قزاق را به فرماندهی سرهنگ شیپوف عازم گیلان کنند. آنان پس از چند روز به بندر انزلی رسیدند و ورود نیروهای روس را به حکمران گیلان اعلام کردند، اما حکمران که در این زمان خطر حضور روس‌ها را در گیلان بیشتر از ورود افغان‌ها می‌دید، بیان داشت که سربازان روس نباید بدون اجازه و اطلاع شاه ایران وارد گیلان شوند. با وجود این، سربازان روس در ساحل پیر بازار پیاده شدند (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۳۶-۵۳۵). آنان پس از غلبه بر گیلان، آرامنه و گرجیان بسیاری را در آنجا اسکان دادند و ارمنیان را تشویق کردند که اگر تعداد آنان افزایش یابد، ایرانی‌ها را از گیلان بیرون خواهند کرد (ریاحی، ۱۳۶۸: ۵۹؛ لاکهارت، ۱۳۸۳: ۲۱۸-۲۱۷؛ بیات، ۱۳۷۳: ۲۹۲). سپس روس‌ها به سوی داغستان و دربند پیشروی کردند و در سال ۱۳۶۱ ق. / ۱۷۲۳ م. دربند و باکو را به تصرف خود درآوردند. پس از این رویداد، عثمانی‌ها نیز که از سلطه روس‌ها بر ایران و قفقاز بیمناک بودند، در سال ۱۳۶۱ ق. / ۱۷۲۴ م. تفلیس، ایروان، نخجوان و گنجه را تصرف کردند. سپس بر لرستان، کرمانشاه، همدان و مراغه مسلط شدند. به دنبال این تهاجم، بر اساس قراردادی که در این سال میان طرفین منعقد شد، تسلط عثمانی‌ها بر گرجستان، شروان و آذربایجان به رسمیت شناخته شد، روس‌ها نیز بر ایالات حوزه دریای خزر همچون ایالات قفقاز، گیلان، مازندران و استرآباد تسلط یافتند. به دنبال امضای این قرارداد، حدود تعیین شده با وجود مقاومت مردم به تصرف دولت‌های مزبور درآمد که تا روی کار آمدن نادر^۱ همچنان در تصرف آنان باقی ماند (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۹-۸؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۳۷).

عثمانی‌ها نیز به منظور دستیابی بر منطقه استراتژیک قفقاز، درگیری‌های متعددی با ایرانیان داشتند که در پی آن، شهرهای تجاری و مهم منطقه ویران شد و مناطقی نیز به

^۱ نادر با ارسال سفرائی به دربار روس، خواهان خروج روس‌ها از ایالات متصرفی شد. از آنجایی که در این هنگام، روابط عثمانی با روس‌ها به تیرگی گراییده بود، دولت ایران روس‌ها را تهدید کرد که چنانچه از ایالات قفقاز خارج نشوند، با دولت عثمانی علیه روس‌ها متحد خواهند شد. روس‌ها نیز که چاره‌ای جز ترک خاک ایران نمی‌دیدند، به موجب قرارداد رشت که در سال ۱۱۴۴ ق. / ۱۷۳۲ م. به امضاء رسید، توافق کردند تا از برخی مناطق متصرفی جنوب دریای خزر خارج شوند. بعدها طبق قرارداد گنجه که در سال ۱۱۴۷ ق. / ۱۷۳۵ م. در تکمیل قرارداد رشت به امضاء رسید، روس‌ها متعهد شدند ابتدا از باکو و سپس از دربند و نواحی گیلان خارج شوند. با خروج کامل روس‌ها، گیلان فرصت یافت تا به بازسازی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی و تجاری بپردازد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۹-۸؛ نوایی، ۱۳۶۸: ۲۵۴-۲۴۸ و ۲۵۵-۲۵۸؛ نوایی، ۱۳۸۷: ۳۷؛ مینورسکی، ۱۳۸۷: ۳۱۱؛ اصلاح عربانی، ج ۱، ص ۴۹۰).

دست عثمانی‌ها افتاد که تا دوره‌های بعد در تصرف آنان باقی ماند و این شرایط اثرات منفی بر روند تجارت این منطقه برجای گذاشت. دولت عثمانی با تسلط بر راه‌های تجاری که اروپا را به آسیا مرتبط می‌ساخت، عواید بسیاری حاصل می‌کرد، اما با کشف راه‌های تجاری جدید چون کشف دماغه امید نیک و استفاده از مسیر دریای شمال که از سیبری و حاجی طرخان می‌گذشت،^۱ مسیرهای تجاری آنان در انزوا قرار گرفت. اگر تا پیش از این، کالاهای هندی و چینی از طریق مصر و سوئز به غرب صادر می‌شد، از این زمان، کالاهای شرقی از خلیج فارس به اروپا منتقل می‌شد (گند گدو، ۱۳۸۸: ۱۴۳ و ۱۴۷). عثمانی‌ها برای مقابله با این اوضاع و بازگشت رونق راه‌های پیشین، طرح‌هایی را در نظر گرفتند، اما نتوانستند آن را به مرحله اجراء درآورند و از جمله این طرح‌ها، طرح ولگا- دن بود. آنان در صدد بودند تا با حفر کانالی میان رودخانه‌های دن و ولگا به دریای خزر راه یابند و اجرای چنین طرحی که هم‌زمان با یورش روس‌ها به هسترخان بود، نه تنها آنان را قادر می‌ساخت که مسیر تجاری کریمه- هسترخان را تغییر دهند، بلکه تصرف مناطق گرجستان و آذربایجان را نیز آسان می‌کرد؛ اما این برنامه به دلیل فقدان ابزاروآلات لازم به انجام نرسید. یورش عثمانی به سواحل دریای خزر و آذربایجان در دوره مراد سوم (۱۰۰۳- ۹۸۲ ق. / ۱۵۹۴- ۱۵۷۴ م.) نیز به‌منظور دست- یابی بر راه‌های آسیایی و بازیابی رونق راه‌های تجاری قدیم بود (همان: ۱۵۱- ۱۵۰).

با مرگ شاه طهماسب اول (۹۸۴ ق. / ۱۵۷۶ م.) و آغاز اختلافات شدید در ایران، دولت عثمانی حملات خود برای تصرف نواحی آذربایجان و قفقاز را آغاز نمود و رویارویی با این حملات به دلیل آنکه حکام ولایات حاضر به مقابله جدی با دشمن نبودند، بسیار دشوار بود (شاو، ۱۳۷۰: ۳۱۱/۱؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۵). آنان در فاصله سال‌های ۹۹۹- ۹۸۶ ق. / ۱۵۹۰- ۱۵۷۸ م. توانستند مناطق قفقاز را تحت کنترل خود درآورند. در سال ۹۸۶ ق. / ۱۵۷۸ م. تفریس، شروان و بیشتر سواحل غربی دریای خزر به تصرف عثمانی درآمد و با تسلط دولت عثمانی بر این نواحی، راه برای پیشروی به سوی ارمنستان و آذربایجان هموار شد و آنان در سال ۹۹۱ ق. / ۱۵۸۳ م. پس از نبرد مشعل‌ها بر شروان و داغستان تسلط یافتند. دولت عثمانی با این حملات توانست نفوذ و سلطه خود را بر قفقاز تا سواحل دریای خزر احیاء کند. به این ترتیب، در حالی که اوضاع

^۱ روس‌ها در سال ۹۵۹ ق. / ۱۵۵۲ م. به غازان و در سال ۹۶۳ ق. / ۱۵۵۶ م. به هسترخان حمله برده و این مناطق را به تصرف خود درآوردند که با سلطه بر این مراکز مهم بر راه‌های تجاری شمال دست یافتند (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۴۷؛ نوایی، ۱۳۸۷: ۳۶).

اقتصادی و تجاری ایران رو به ویرانی و رکود بود، عثمانی‌ها از نواحی ابریشم‌خیز پیرامون دریای خزر، غنایم و درآمدهای بسیاری به دست آوردند (شاه، ۱۳۷۰: ۱/ ۳۱۱ و ۳۱۵). در سال ۹۹۹ق.م/۱۵۹۰م. عثمانی با تصرف تبریز برای چهارمین بار و الحاق آن به قلمرو خود، ناوگانی بزرگ در دریای خزر ساخت. در این زمان شاه عباس اول به‌منظور یافتن فرصتی برای سامان بخشیدن به اوضاع داخلی، به امضای قرارداد صلح (۹۹۹ق.م/۱۵۹۰م.) میان ایران و عثمانی تن داد که بر اساس آن همه فتوحات عثمانی در ایران به رسمیت شناخته می‌شد (شاه، ۱۳۷۰: ۳۱۶/۱). شاه عباس با استفاده از صلحی که در نتیجه این عهدنامه پیش آمده بود، پس از تجهیز سپاه صفوی، در سال ۱۰۱۴ق.م/۱۶۰۵م. بسیاری از نواحی داغستان و آذربایجان را از تصرف عثمانی‌ها بیرون کرد. جنگ‌های متعدد میان ایران و عثمانی همچنان ادامه داشت و مناطق مرزی مدام بین دو طرف دست‌به‌دست می‌شد، تا آنکه به دنبال امضای آخرین معاهده صلح (ذهاب) در سال ۱۰۴۹ق.م/۱۶۳۹م. حدود مرزی بین ایران و عراق مشخص گردید. بر اساس این قرارداد تسلط دولت عثمانی بر عراق تأیید و بخش‌هایی از قفقاز که در تصرف آنان بود، به ایران واگذار شد.

ج- ناامنی‌های ناشی از حملات دزدان و راهزنان: حملات دزدان و راهزنان به کاروان‌ها و ناامنی‌های ناشی از اقدامات آنها نیز خسارات چشمگیری بر روند تجارت این دوره بر جای گذاشت. از روزگاران گذشته، وجود دزدان و راهزنان سبب بروز مشکلات متعددی برای عبور کاروان‌ها بود. اگر چه در دوره‌های مختلف به طرق متعدد با این آشوبگران برخورد می‌شد، اما اقدامات سرکوبگرانه حکمرانان بی‌نتیجه بود. ناامنی راه‌ها در این دوره به حدی رسیده بود که ایلیچیان چاپار مسافران را تصاحب می‌کردند و بازرگانان از کار عاجز مانده بودند. در این میان، همکاری بسیاری از مردم و راهدارها با راهزنان نیز بر مشکلات می‌افزود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۳/۳). ناامنی در قلمرو ایران و نیز اختلافات داخلی و خارجی سبب شده بود تا بازرگانان به‌منظور مصونیت از خطرات احتمالی، لباس گدایی بپوشند و به دنبال کاروان‌ها حرکت کنند (شلکوفسکی، ۱۳۳۴: ۳۰۴).

اران، آذربایجان و داغستان مورد هجوم راهزنان و ساکنان صحراگرد غرب دریای خزر قرار می‌گرفتند. قتل و غارت دزدان و راهزنان در این نواحی پیش از سلسله صفویه تأثیرات

نامطلوبی بر روند تجارت داشت^۱ و در دوره صفویه نیز ناامنی‌های آنان تداوم یافت. کارری^۲ موانع عبور از مسیر کاروان‌رو تبریز را چنین توصیف می‌کند: «مسافران این جاده‌ها هیچ‌گونه امنیتی ندارند یا گرفتار دزد و راهزن می‌شوند و یا به دست چاپار شاهی که کاغذهای یک ایالت را به ایالت دیگر می‌برد می‌افتند، گرچه چاپارها دو سه روز بعد آن‌ها را پس می‌دهند، این کار باعث سرگردانی مسافران می‌شود» (کارری، ۱۳۴۸: ۴۳). از جمله اقوامی که روند تجارت در اطراف دریای خزر و مراکز تجاری اطراف آن را مختل می‌کردند، ساکنان نواحی داغستان همچون قزاق‌ها و لزگی‌ها بودند. اولناریوس^۳ بیان می‌کند که وجود این راهزنان در منطقه داغستان همانند دوره‌های قبل، سبب شده بود تا تجار در هنگام عبور از این مناطق، چنانچه توان نظامی برای مقابله با قزاق‌ها را نمی‌داشتند، به آسانی در دام آنان گرفتار شوند. به همین دلیل کاروان‌های تجاری یا می‌بایست با نفرات بیشتری حرکت می‌کردند و یا اینکه از طریق دریا این منطقه را دور می‌زدند (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۳۶۶). حملات دزدان دریایی در منطقه ولگا و خساراتی که از سوی آنان متحمل روس‌ها می‌شد، یکی از دلایلی بود که شرکت مسکوی در سال ۹۸۸ق/۱۵۸۱م. راه تجاری دریای خزر را رها کرد (سیوری، ۱۳۹۰: ۹۴؛ شوستر والستر، ۱۳۶۴: ۱۰۲).

ساکنان منطقه قفقاز شمالی، لزگی‌ها و قزاق‌ها،^۴ خود عاملی در ایجاد تنش‌های سیاسی و نیز غارت کاروان‌های تجاری بودند که از داغستان و قفقاز عبور می‌کردند. این ساکنان ترک و صحراگرد با غارت نواحی مجاور ضربه سنگینی بر روند تجارت این دوره وارد می‌کردند، چنانکه باعث می‌شدند تا کاروان‌های بازرگانی برای رسیدن به شمال و جنوب

^۱. چنانکه از برخی سفرنامه‌ها برمی‌آید، علاوه بر ترکان، افغانه نیز در این منطقه به قتل و غارت می‌پرداختند و این فعالیت‌های آنان تا اوایل عصر تیموری ادامه داشت تا آنکه در این دوره به دستور تیمور به ناحیه‌ای میان هند و قندهار کوچانده شدند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۶).

^۲. Careri

^۳. Olearius

^۴. قزاق‌ها در ابتدا در قالب گروه‌های چادرنشین و بعدها به صورت یکجانشین در کنار رودهای شمال و شمال غربی دریای خزر زندگی می‌کردند. آنان از طریق ماهیگیری، دامداری و نیز غارت نواحی اطراف روزگار می‌گذراندند و با قدرت یافتن روس‌ها به تابعیت آنان درآمدند. آنها به تدریج با گرویدن ناراضیان مناطق مختلف چون اوکراین و لهستان، گروه‌های بزرگی را تشکیل دادند. تزار ایوان چهارم (مخوف) پس از سیطره بر مناطق شمال غربی دریای خزر، به‌منظور تضمین نفوذ خود بر این نواحی، گروه‌های روسی را به قفقاز شمالی کوچاند. بعدها روس‌ها از این گروه‌ها که به قزاق مشهور شدند، برای تحقق اهداف سیاسی در قبال ایران بهره می‌بردند (قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۸۱؛ یکتایی، ۱۳۵۰: ۳۴۷).

دریای خزر، به جای عبور از نواحی خشکی غربی آن، از مسیرهای دریایی استفاده کنند و این امر، رکود و توقف فعالیت‌های بازرگانی در این منطقه را به دنبال داشت. شاهان صفوی به‌منظور مقابله با تهاجم اقوام ساکن داغستان و نیز ترکان مناطق شرق دریای خزر دست به اقداماتی می‌زدند. از آن جمله شاه عباس به‌منظور جلوگیری از حملات ترکمن‌ها در حوالی اشرف^۱ و حدود شرقی مازندران دستور داد که خندقی از کوه تا دریا به عمق ده زرع و درازای چهار فرسنگ حفر کردند. وی همچنین به همین منظور، عده‌ای از قبایل قاجار را در استرآباد مستقر کرد و عده‌ای دیگر را برای جلوگیری از حملات لزگی‌ها در گرجستان سکونت داد (دالماتی، ۱۳۳۵: ۵۳-۵۲؛ ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۸۶؛ میرزا ابراهیم، ۱۳۳۵: ۷۳-۷۲). در دوره شاه عباس سوم (۱۱۴۹-۱۱۴۴ق./۱۷۳۶-۱۷۳۱م.) و پس از شکست صفویان در جنگ بغداد، لزگی‌ها با توجه به شرایط پیش‌آمده سر به عصیان برداشتند. آنان به ایالت شروان تاختند و آنجا را غارت کردند. شاه پس از غلبه بر سپاه عثمانی و تصرف مجدد بغداد، بسیاری از شورشیان را سرکوب کرد و به دستور وی، شهر شماخی ویران شد. قلعه‌ای در آق‌سو در هشت فرسخی شروان ساخته شد و مردم شماخی به آنجا کوچانده شدند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۶۵-۱۶۴).

غارتگری لزگی‌ها در عصر صفوی به حدی بالا گرفته بود که نه‌تنها ایرانی‌ها، بلکه روس‌ها نیز توان سرکوبی کامل آنان را نداشتند؛ زیرا مهاجمان به کوه‌های صعب‌العبور آن مناطق پناه می‌بردند (قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۸۱؛ اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۳۶۶). لزگی‌ها گاه به دنبال فشار حکمرانان محلی تن به صلح می‌دادند، اما چندان بدان پایبند نمی‌ماندند. در سال ۱۱۳۳ق./۱۷۲۰م. واختانگ، شاهزاده گرجی به‌منظور مقابله با لزگی‌ها وارد میدان شد. آنان با مشاهده این اوضاع به دربار صفوی پناه برده و به دست برداشتن از اقدامات خود متعهد شدند. به دنبال این پیمان، شاه سلطان حسین با ارسال فرمانی به واختانگ، او را از مقابله با لزگی‌ها بازداشت. با وجود این، آنان مدت زیادی به پیمان خود وفادار نماندند و بار دیگر غارتگری‌های خود را از سر گرفتند. در نتیجه، از آغاز سال ۱۱۳۴ق./۱۷۲۱م. لزگی‌ها سر به شورش برداشته و ایالات هم‌مرز را غارت کردند. از جمله این ایالات شروان بود که پس از قتل‌وغارت لزگی‌ها جزو فقیرترین ولایات ایران شد (دوسرسو، ۱۳۶۴: ۱۶۱ و ۱۶۶). شورشیان اگر چه عهد کرده بودند که به تجار اروپایی و روسی آسیبی نرسانند، اما

^۱. بهشهر کنونی

مال‌التجاره بازرگانان روسی را نیز غارت کردند. پس از وقوع این حوادث، ولینسکی نماینده دولت روس و حاکم حاجی طرخان طی گزارشی به پترکبیر اظهار داشت که ایران به دلیل ضعف سیاسی قادر نیست بر اساس مفاد قرارداد ۱۳۰ق/۱۷۱۸م. از اتباع روس محافظت کند (نوایی، ۱۳۶۳: ۵۵؛ وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۷) و این امر خود دلیلی برای آغاز تهاجم روس‌ها به مناطق شمالی ایران شد.

وجود چنین موانعی در مسیرهای شمال غربی ایران، همچون راه منتهی به هشترخان سبب گردید که شاه سلطان حسین از سلطان عثمانی بخواهد تا امکان عبور بازرگانان ایرانی از قلمرو این حکومت مهیا شود (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۶۸-۱۶۷).

نتیجه

بخشی از تجارت عصر صفوی از طریق مسیر آبی دریای خزر و نیز نواحی مجاور آن صورت می‌گرفت. در مقایسه‌ای بین نواحی مختلف اطراف دریای خزر و نقش آنها در فعالیت‌های بازرگانی عصر صفوی می‌توان گفت که مناسبات تجاری این دوره بیشتر در نواحی غربی این دریا یعنی قفقاز متمرکز بود و بیشتر فعالیت‌های تجاری و دادوستد در این منطقه انجام می‌شد. شاهره اتصال مراکز تجاری جنوب دریای خزر به شمال در این منطقه واقع بود و بازرگانان از نژادهای مختلف از مراکز تجاری قفقاز و نواحی شمالی و جنوبی آن عبور کرده و به مبادله کالاهای تجاری مشغول بودند. با وجود نقش مهم دریای خزر و قفقاز در مبادلات تجاری عصر صفوی، موانع طبیعی و سیاسی و اجتماعی روند بازرگانی این مسیر را دچار مشکل می‌کرد. اهمیت تجاری قفقاز، قدرت‌های وقت را به فکر تسلط بر آن می‌انداخت و درگیری‌های مختلف میان صفویان با روس و عثمانی، مؤیدی بر این مدعاست. این درگیری‌ها که اکثراً در نواحی قفقاز صورت می‌گرفت، غارت و ویرانی مراکز تجاری این منطقه را به همراه داشت. همچنین دست‌به‌دست شدن برخی از مراکز این ناحیه میان صفویان، روس‌ها و عثمانی سبب رکود و گاه توقف مناسبات بازرگانی می‌شد. وجود ساکنان ترک‌تبار یا ترک‌زبان این منطقه نیز که به غارت مراکز تجاری دست می‌زدند، در روند تجارت این ناحیه در عصر صفوی اختلال ایجاد می‌کرد. آنان با غارت مال‌التجاره بازرگانان، گاهی باعث ایجاد تنش میان ایرانیان و همسایگان‌شان می‌شدند و این نیز به نوبه خود رونق تجارت نواحی اطراف دریای خزر از جمله قفقاز را از میان می‌برد.

منابع و مأخذ

- اسکندربیک ترکمان، ۱۳۱۷، *ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی*، منشی محمد یوسف مورخ، به تصحیح: سهیلی خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامی.
- وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹، *اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز*، تهران: وزارت امور خارجه- اداره انتشار اسناد.
- اقبال، عباس، ۱۳۸۸، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران: امیرکبیر.
- اولتاریوس، آدام، ۱۳۸۵، *سفرنامه*، ترجمه و حواشی: احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- باربارو و دیگران، ۱۳۴۹، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، ۱۳۷۵، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه: لیلارین شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیات، عزیزالله، ۱۳۷۳، *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- تکتاندر، ژرژ، ایتریرسیکوم، ۱۳۵۱، *گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول*، ترجمه: محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جمال‌زاده، محمدعلی، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط ایران و روس*، شماره ۴۲، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۱۳۸۰، *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: خیام.
- دالماتی، رنه هانری، ۱۳۳۵، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه: علی محمد فرهوشی، تهران: امیرکبیر.
- دوسرسو، ژان آنتوان، ۱۳۶۴، *سقوط شاه سلطان حسین*، ترجمه: ولی‌الله شادان، تهران: کتاب‌سرا.
- رابینو، یانست لویی، ۱۳۷۴، *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، رشت: طاعتی.
- راوندی، مرتضی، ۱۳۶۴، *تاریخ اجتماعی ایران*، [بی‌جا]: نگاه.
- ریاحی، محمدامین، ۱۳۶۸، *سفارت‌نامه‌های ایران*، تهران: توس.
- زارع شاهمرسی، پرویز، ۱۳۸۷، *آذربایجان ایران و آذربایجان قفقاز*، تبریز: نشر اختر.
- سایکس، سرپرسی، [بی‌تا]، *تاریخ ایران*، ترجمه: سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: وزارت فرهنگ.
- سیوری، دران، دوپروین و دیگران، ۱۳۹۰، *صفویان*، ترجمه و تدوین: یعقوب آژند، تهران: توس.
- شاردن، ژان، ۱۳۷۲، *سفرنامه*، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شاو، استانفورد جی، ۱۳۷۰، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شلکوفسکی، ویکتور پوریسویچ، ۱۳۳۴، *جهانگردی مارکوپولو*، ترجمه: محمد لوی عباسی، تهران: گوتنبرگ.
- شوستر والستر، سیبیل، ۱۳۶۴، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، ترجمه: غلامرضا وره‌رام، تهران: امیرکبیر.
- شیمپل، آنه ماری، ۱۳۸۶، *در قلمرو خانان مغول*، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر.
- علی‌اف، ب.، اوماخانف م.، ترجمه: گلنسا یعقوبی، ۱۳۷۸، «*روابط مردم داغستان با مردم قفقاز*»، ایران شناخت، ش ۱۳، صص ۲۹۶-۳۲۵.

- عون‌اللهی، سیدآغا، ۱۳۸۷، *تاریخ پانصدساله تبریز*، ترجمه: پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، میرزا محمدطاهر وحید، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، به تصحیح و تحقیق: سید سعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کارری، جملی، ۱۳۴۸، *سفرنامه*، ترجمه: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، *اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلیخانان تا عصر صفوی*، بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا، تهران: دانشگاه تهران - کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- کرزن، جورج ناتانیل، ۱۳۴۷، ایران و مسئله ایران، ترجمه: علی جواهرکلام، تهران: ابن سینا.
- کروسینسکی، ۱۳۶۳، *سفرنامه، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی*، ترجمه: عبدالرزاق دنبلی، با مقدمه و تصحیح: مریم میراحمدی، تهران: توس.
- کلاویخو، روی گونزالس، ۱۳۶۶، *سفرنامه*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کولاگینا، لودمیلا، یلنا دونایوا، ۱۳۸۸، *تاریخ شکل‌گیری مرزهای روسیه با ایران*، به کوشش: بهرام امیراحمدیان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- کنتارینی، آمبروسیو، ۱۳۴۹، *سفرنامه*، ترجمه: قدرت‌الله روشنی، تهران: امیرکبیر.
- گاسپار، دروویل، ۱۳۶۷، *سفر در ایران*، ترجمه: منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- گرانوسکی، م. س. ایوانف، داندامایف، م. آ. گوشلنکو، گ. آ. ۱۳۵۹، *تاریخ ایران*، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: انتشارات دنیا.
- گندگدو، عبدالله، ۱۳۸۸، «عثمانی و تجارت جهانی؛ طرح‌هایی برای بازگشت به سرمایه تاریخی»، ترجمه: نصرالله پورمحمدی املشی، *تاریخ پژوهان*، ش ۱۹، صص ۱۵۸-۱۴۲.
- لاکهارت، لارنس، ۱۳۸۳، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترنج، گای، ۱۳۶۴، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه: محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- متی، رودی، ۱۳۸۴، «تجار در عصر صفوی (شرکا و دیدگاه‌ها)»، ترجمه: حسن زیدیه، نامه تاریخ پژوهان، ش ۱، صص ۹۸-۷۹.
- مستوفی، محمدحسن، ۱۳۷۵، *زنده‌التواریخ*، به کوشش: بهروز گودرزی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- مقدسی، محمد بن احمد، [بی تا]، *أحسن‌التقاسیم فی معرفه‌الأقالیم*، بیروت: دار صادر.
- ملکم، سر جان، ۱۳۸۰، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه: میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.
- ملگونف، گریگوری والرینوویچ، ۱۳۶۴، *سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر*، به تصحیح، تکمیل و ترجمه: مسعود گلزاری، تهران: دادجو.
- میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان*، به تحقیق و تصحیح: مسعود گلزاری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ، ۱۳۷۵، *تاریخ شروان و دربند*، ترجمه: محسن خادم، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

وامبری، آرمینیوس، ۱۳۷۰، *سیاحت درویشی دروغین در خانات دشت قبیاق*، ترجمه: فتحعلی خواجه نوریان، تهران: علمی و فرهنگی.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۳، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق.* همراه با *یادداشت‌های تفصیلی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

-----، ۱۳۸۷، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت.

-----، ۱۳۶۸، *نادرشاه و بازماندگانش*، تهران: زرین.

هرن، پاول، ۱۳۱۴، *تاریخ مختصر ایران از اول اسلام تا انقراض زندیان*، ترجمه، تعلیق و تحشیه: رضازاده شفق، تهران: مطبعه مجلس.

یلفانی، رامین، ۱۳۸۷، «*موقعیت اقتصادی دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق)*»، فقه و تاریخ و تمدن، سال چهارم، ش ۱۶، صص ۱۶۶-۱۴۹.

Matthee, Rudolph P, *The Politics of Trade in Safavid Iran silk for silver 1600-1730*, CAMBRIDGE, UNIVERSITY PRESS (<https://books.google.com/books?id=5U0YECMV—wCpg=PR20>).